



@razavi_aqr_ir



منبر مکتوب ویژه ولادت رسول گرامی اسلام ﷺ

فرا تراز وحدت



@Hawzah_Panahian



مرکز تخصصی تبلیغ دارالاحکمه



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید
کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالاحکمه

نام محمد است جهان نام مهربان نام رسول حرمت و مهر مصطفای جان

محمد مصطفی



فهرست

- | | |
|----|---|
| ۷ | اهمیت وحدت و محبت در میان منتظران ظهور |
| ۸ | محبت میان مؤمنان در کلام معصومین |
| ۹ | اجتماع قلبی در تجدید عهد با امام زمان |
| ۱۰ | دعوت به بررسی سخنان و تأمل در وحدت |
| ۱۱ | امتحان وحدت در زندگی مؤمنان |
| ۱۱ | پیشنهاد عملی برای زائران جمکران |
| ۱۲ | موکب‌داری و محبت، اصل رابطه مؤمنان |
| ۱۳ | محبت به مؤمنان، هدیه به حضرت |
| ۱۴ | دعوت به محبت عملی میان مؤمنان |
| ۱۵ | الان عصر همدلی است |
| ۱۶ | وحدت در خانواده و جامعه |
| ۱۸ | «شیعه منتظر» باید مهارت زندگی جمعی و کار گروهی را داشته باشد |
| ۲۱ | باید به سایر مؤمنین عشق بورزیم؛ حتی اگر بین ما اختلافاتی باشد |
| ۲۲ | پیشنهادی فراتر از شعار وحدت بین شیعه و سنی |

- ۲۳ یک عنصر منتظر یعنی یک عنصر «تشکیلاتی»؛ البته نه صرفاً به معنای حزبی
- ۲۴ مریدان امام زمان علیه السلام باید از بحث وحدت شیعه و سنی فراتر بروند و دلبری کنند
- ۲۵ جوان شیعه منتظر چه کسی است؟
- ۲۷ همه دل‌ها را به سمت ما جذب کنید» و این شامل اهل سنت می‌شود
- ۲۹ مریدان امام زمان علیه السلام باید از بحث وحدت شیعه و سنی فراتر بروند و دلبری کنند
- ۳۰ دوران صرفاً وحدت شیعه و سنی گذشته و دوران همدلی فرارسیده
- ۳۱ عصر ما، عصر همدلی و اتحاد علیه استکبار، کفر و تفرقه است
- ۳۲ در عرصه سیاسی نیز باید با هر نوع تفرقه‌افکنی به شدت مقابله کنیم
- ۳۳ نباید با تلقین‌های غلط در باندهای سیاسی مختلف قرار داد
- ۳۴ در عرصه سیاسی به تفرقه‌افکنان میدان ندهید
- ۳۵ دعا برای وحدت و محبت

« اهمیت وحدت و محبت در میان منتظران ظهور

ایام ولادت رسول خدا ﷺ، است، از نظر زمانی درباره چه باید با هم صحبت کنیم؟ شاید باید درباره مهم‌ترین نیاز جامعه منتظران و مقدمه‌سازان ظهور صحبت کنیم؛ نیازی که هم مهم‌ترین موضوع است و هم گاهی مورد غفلت ما قرار گرفته است. پیش از ظهور آقا و مولایمان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر اساس فرمایشات ائمه هدی علیهم السلام، بیش از هر مفهوم دیگری به چه چیزی و بیش از هر کار خوبی به چه رفتاری نیازمندیم؟

کاملاً واضح است. در کلام اولیای خدا، این موضوع بارها بیان شده است. وقتی نزد امام باقر علیه السلام می‌آمدند، از زمان ایشان کم‌کم شیعه



جان گرفت و نیرویی در جامعه مؤمنان پدید آمد که انتظار داشتند حضرت قیامی کنند تا دین خدا را بر همه ادیان غالب کنند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» صریحاً از ایشان می پرسیدند: «آقا، شما چرا قیام نمی کنید؟» حضرت، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، مستقیم می فرمودند: «شما منتظران ظهور، شما که می خواهید پای رکاب امام زمانتان جان دهید و جهاد کنید، با یکدیگر چگونه اید؟» خیلی مستقیم و ساده پاسخ می دادند: «آقا، ما با هم خوبیم.» می گفتند: «مثلاً به دیدار یکدیگر می رویم، اگر کسی بیمار شود، به عیادتش می رویم و محبت های رایج را انجام می دهیم.»

« محبت میان مؤمنان در کلام معصومین

حضرات معصومین عليه السلام در روایات متعدد، از جمله روایتی که عرض می کنم، می فرمودند: «آیا آن قدر به هم محبت دارید که اگر یکی از شما محتاج شد، بتواند از دخل دوستش هر قدر خواست بردارد و دیگری ناراحت نشود؟» شیعیان می گفتند: «نه، این گونه با هم دوست نیستیم.» حضرت می فرمودند: «پس هنوز زمان قیام من فرا نرسیده است.» خیلی واضح است. نیازی نیست در کتاب ها بگردیم که کدام ذکر را بگوییم تا به حضرت مقرب شویم یا در کتاب های عرفانی و

تهذیب نفس جست وجو کنیم که چه کنیم تا جانمان به حضرت نزدیک شود. پاسخ روشن است: محبت میان مؤمنان. این محبت، حداقلش وحدت است، حد متوسطش مودت و حد اعلاش محبت عمیق است. مؤمنان باید یکپارچگی خود را حفظ کنند. حداقل، اگر دل هایشان با هم نیست، ظاهراً وحدت را حفظ کنند. گرچه با وحدت ظاهری، حضرت تشریف نمی آورند. باید «اجتماع من القلوب» باشیم.

در مرقومه شریفه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید، نکته ای عجیب و مهم آمده است: نامۀ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا» (احتجاج/۲/۴۹۹) اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در وفای به عهد با ما، قلباً متحد شوند، برکت دیدار ما از آن ها به تأخیر نمی افتد و سعادت مشاهده ما برایشان تعجیل می شود.

حضرت وقتی نام شیعیان را می برند، دعایی می کنند: «وفقههم الله لطاعته». چه احترامی برای شیعیان قائلند! گویی مانند ما که پس از نام ائمه «علیه السلام» یا «روحی له الفداء» می گوئیم، ایشان نیز برای شیعیان دعا می کنند. سپس می فرمایند

اگر شیعیان در وفای به عهد، قلباً متحد شوند، ظهور به تأخیر نمی‌افتد.

« اجتماع قلبی در تجدید عهد با امام زمان

شما می‌توانید به تنهایی به جمکران بروید، دعای عهد بخوانید و از حضرت بخواهید که به شما کمک کند. این خوب است، اما نتیجه کامل نمی‌دهد مگر با اجتماع. شیعیان باید متحد شوند. مناجات با حضرت، مانند مناجات با خدا یا نماز شب نیست که تنهایی بهتر باشد. مثلاً دعای کمیل یا ندبه را می‌توان تنهایی خواند و شاید بهتر هم باشد، اما وقتی می‌خواهید عهد با امام زمان را تجدید کنید و به عهد وفا کنید، باید «علی اجتماع من القلوب» باشید. این اجتماع باید قلبی باشد و حداقلش وحدت است.

« دعوت به بررسی سخنان و تأمل در وحدت

دوستان من، وحدت یک ملاحظه فرعی نیست، بلکه دستور اصلی دین است. مثلاً وقتی از اینجا به مشهد می‌روید، کسی می‌گوید: «مواظب باش تصادف نکنی، با سرعت مطمئن بران.» این یک توصیه فرعی است. شما برای تصادف کردن به جاده نمی‌روید؛ برای زیارت یا تفریح می‌روید. ممکن است جایی کامیونی آرام حرکت کند و

بخواهید سبقت بگیرید، اما در پیچ جاده باید احتیاط کنید. این‌ها ملاحظات فرعی است. اما سروران من، بنده آن‌گونه که از دین می‌فهمم، وحدت و همدلی توصیه‌ای فرعی نیست. وحدت اصل دستور دین است. شما دیندار نمی‌شوید که در جمع مؤمنان اختلاف ایجاد کنید. باید در برابر اختلاف مقاومت کنید، محبت کنید و اتحاد خود را حفظ کنید.

« امتحان وحدت در زندگی مؤمنان

همه مومنان، قطعاً بدانید که تک‌تک ما در حفظ وحدت امتحان می‌شویم. این موضوع اصلی کار ماست، موضوع زندگی و بندگی ماست. هر کس مؤمن شد، در معرض این سؤال است: آیا می‌توانی وحدت را حفظ کنی؟ هر که یار امام زمان شد، در معرض این امتحان بزرگ است: آیا می‌توانی همدلی داشته باشی؟ هر که طرفدار ولایت شد، از ولایت رسول الله ﷺ تا ولایت اولیای الهی، ولایت فقیه و حتی ولایت پدر در خانه، در معرض این سؤال است: آیا می‌توانی وحدت را بر محور این ولایت حفظ کنی؟

مگر دستور اصلی اطاعت نیست؟ اطاعت در بستر حفظ وحدت است. مسئله وحدت است، نه صرفاً اطاعت. شما می‌توانید مطیع خوبی باشید،



اما وحدت را دور بزنید و ویراژ بدهید.

« پیشنهاد عملی برای زائران جمکران

به عنوان پیشنهاد اگر کسی رفت جمکران بنده به مسجد جمکران اعتقاد دارم، اما این هنر نیست. شاید ده‌ها بار در منبرها گفته‌ام: اگر می‌خواهید نور بگیرید، بروید ورودی مسجد جمکران بایستید. به چهره این مردم نگاه کنید که برای چه آمده‌اند. عزم و نگاهشان را ببینید. این‌ها آقایشان را می‌خواهند. حرکت کردند و نورانی شدند. من این اعتقاد را دارم و خودم هم این کار را کرده‌ام. هر وقت از در خروجی نگاه می‌کنم، می‌گویم: نگاه کن، از کجا معلوم نیست، آمده‌اند برای امام زمان، امامی که ندیده‌اند. با این اعتقاد، پیشنهادی دارم. هر که به جمکران می‌آید، سعی کند چیزی بیاورد و دیگران را مهمان کند.

« موکب‌داری و محبت، اصل رابطه مؤمنان

چرا موکب‌داری؟ برای چه؟ هر کس در خانه غذایی دارد، بالاخره مردم چیزی می‌خورند. اما مسئله اصلی، رابطه میان مؤمنان است، نه رابطه شما با امام زمان. فدایش شوم، شما این رابطه را دارید. همه منتظران و معتقدان به امام زمان، رابطه‌شان با حضرت برقرار است، اما

ظهور صد سال عقب افتاده است. سؤالی که امام باقر علیه السلام می پرسند این است: «با هم چگونه اید؟» بگو: «یا ابن الحسن، آقا، من خرما آوردم، شیرینی آوردم» ببخشید، نمی گویم هر زائری دست خالی بیاید، خاک قدمشان را باید توتیای چشم کرد، اما داریم صحبت می کنیم. اینجا مثل مساجد خشک و خالی نیست. مردم باید احساس محبت کنند. خیلی از شما اربعینی هستید. در اربعین دیده اید که چه گونه سر راه اصرار می کنند. صد نوع غذا دارند، در ده دقیقه همه مصرف می شود، اما می گویند: عیبی ندارد، بفرمایید. محبت را با غذا می دهند، نه این که بگویند: این غذا را از سرمان باز کن. چه غوغایی می کنند! به خدا قسم، هیچ کس به جیبش نگاه نمی کرد. اگر می دانستید حضرت را حضوری می بینید، حتماً مثل چنین شبی گل می آوردید و می گفتید: این را به دست خود حضرت بدهم. هر کس مایه می گذاشت. حداقلش را گفتم. شما مردم این گونه هستید، جانتان را برای امامتان می دهید.

« محبت به مؤمنان، هدیه به حضرت »

حدود پانزده سال است که در اربعین می روم و از زائران می پرسم: در راه کربلا نورانیت بیشتر است یا در خود کربلا؟ همه می گویند: در راه



حس دیگری دارد. چرا؟ چون در راه به زائر امام حسین علیه السلام محبت می شود. این ها را جدی بگیریم. چرا برای خواستگاری گل و شیرینی می برند؟ این چه تأثیری دارد؟ ممکن است بگویند: برای چه شیرینی مصرف می کنی؟ گل چه فایده ای دارد؟ اما می گویند: این هدیه است، فضا را تلطیف می کند. مؤمنان باید فضای میان خود را تلطیف کنند. این را از آیات و روایات می گویم: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» (آل عمران، آیه ۱۰۳). نمی شود به کسی محبت نکنی و بعد در لحظه لازم فدای هم شوید یا تفرقه پیدا نکنید. وقتی به هم محبت کردیم، اگر تنمان به هم خورد، عصبانی نمی شویم، به هم نمی ریزیم. فضا پر از محبت است، پر از گل و شیرینی است.

« دعوت به محبت عملی میان مؤمنان

بیایید محبت کنیم. چه گونه؟ مثلاً می گویم: ده جعبه شیرینی می برم جمکران، بیشتر از این در صندوق عقبم جا نمی شود. ببرم و تقسیم کنم. ببینید چه گونه حاجت می گیرید. مردم که نمی خواهند شیرینی از دست شما بگیرند، آن را هدیه امام زمان می دانند و واقعاً هم همین است. هر که اینجا از مؤمنان پذیرایی کند، انگار کار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را انجام داده است.

خیلی عجیب است. موکب‌داری را نباید فقط به اربعین محدود کنیم. باید آن را توسعه دهیم. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «من أطعم مؤمناً فی يوم الغدير فکأنما أطعم فئاماً من الأنبياء» (کسی که در روز غدیر به مؤمنی غذا بدهد، گویی به جمعی از انبیا غذا داده است). چرا اطعام در کنار امامت و ولایت مطرح می‌شود؟ در اربعین، این اطعام عاشقانه مردم بود که این حرکت را شکل داد. اگر هر کس غذای خودش را بیاورد، چه صحنه نازیبایی می‌شود. اربعین این نیست.

« الان عصر همدلی است/ باید با هر نوع تفرقه‌افکنی به شدت مقابله کنیم/ با معرفی مکتب حسینی در جهان همدلی پدید خواهد آمد »

عصر همدلی است. ان شاء الله با یک ادبیات قوی، سوء تفاهم‌ها را برطرف کنیم. ما اگر مکتب حسینی خودمان را به مسیحیان جهان معرفی کنیم، در جهان همدلی پدید خواهد آمد. ما اگر مکتب امام حسین علیه السلام را به برادران اهل سنت معرفی کنیم، همدلی پدید خواهد آمد. بنده با یک‌سری از نخبگان مصر که اهل سنت بودند، صحبت می‌کردم. به آنها گفتم: شما بیشتر از ما



شیعیان باید برای امام حسین علیه السلام گریه کنید. گفتند چرا؟ گفتم: چون امام حسین علیه السلام برای شیعه کشته نشد، بلکه برای اسلام کشته شد، و در مقابل کسی مثل یزید ایستاد که در واقعۀ حرّه آن قدر نسبت به اهل سنت جنایت کرد. وقتی این را شنیدند، خوشحال شدند و گفتند: چرا کسی امام حسین علیه السلام را این گونه به ما معرفی نکرده بود؟

گاهی اوقات ما شیعیان از شدت علاقه به امام حسین علیه السلام یک طوری دور امام حسین علیه السلام را می گیریم که مانع می شویم از اینکه کسی غیر از خودمان ایشان را ببیند! در حالی که امام حسین علیه السلام را باید طوری معرفی کنیم که همه اهل عالم ایشان را بشناسند. نباید امام حسین علیه السلام را به خودمان اختصاص دهیم.

ما به عنوان عناصر مهدوی و عناصر مقدمه ساز برای ظهور، باید با هر نوع تفرقه افکنی به شدت مقابله کنیم. نباید هیچ اختلافی را به این سادگی ها قبول کنیم که مبنای تشّت و درگیری و جدایی دل ها و جدایی از اصول قرار بگیرد.

« وحدت در خانواده و جامعه

وحدت در خانواده هم مهم است. سروران من، زن و شوهری که ازدواج می کنند، حالا که فصل ازدواج هاست (هرچند ازدواج کم شده)، باید بدانند



دستور اصلی در خانواده چیست. اختلاف پیش می‌آید، اما نباید اختلاف را دامن بزنید. باید وحدت و محبت را حفظ کنید. این دستور فرعی نیست. ما خانواده تشکیل می‌دهیم تا در امتحان اختلاف آزمایش شویم. مؤمنان در مسجد جمع می‌شوند تا در امتحان اختلاف آزمایش شوند.

حزب‌اللهی یعنی کسی که به خدا ایمان دارد، منتظر امام زمان است و این مسیر را صحیح می‌داند برای ساختن جامعه‌ای نمونه و مقدمه ساز ظهور. امتحان اصلی هر نیروی حزب‌اللهی این است که وقتی اختلاف پیش می‌آید، چه می‌کند؟ این بحث اصلی است، نه ملاحظه فرعی. هر انقلابی باید از خودش بپرسد: در امتحان اختلاف نظر چه کردم؟ چگونه با محبت، اختلاف را مدیریت می‌کنم؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما می‌پرسند: در این اختلافات چه کردید؟ چرا این قدر بر همدلی تأکید دارند؟ چون همدلی موضوع اصلی امتحان ماست. زن و مرد ازدواج نمی‌کنند که فقط به عیش و نوش بپردازند. برای همین خیلی‌ها ازدواج نمی‌کنند، چون می‌دانند ازدواج یعنی مسئولیت‌پذیری و ورود به امتحان اختلاف نظر. کمال انسان در تقرب به خداست، اما در زمین، امتحان انسان این است که در جمع چگونه اختلاف را مدیریت می‌کند. اخلاق یعنی در جمع چگونه خلق خود را



نشان می‌دهی. وحدت و محبت میان مؤمنان، تجلی‌گاه ولایت‌مداری و اصل مقدمه ظهور است.

«شیعه منتظر» باید مهارت زندگی جمعی و کار گروهی را داشته باشد/ باید علی‌رغم اختلافات موجود، قدرت تعامل و هم‌افزایی داشته باشیم

برگردیم به نامه حضرت ولی عصر علیه السلام که می‌فرماید: «اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را در طاعت خودش موفق بدارد - از صمیم دل جمع شوند و بخواهند به عهدی که ما به گردن آنها داریم وفا کنند، مژده ملاقات ما به تأخیر نخواهد افتاد؛ وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَّقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا» (احتجاج/۲/۴۹۹)

اینکه شیعیان دور هم جمع شوند و هم‌افزایی داشته باشند، خیلی اهمیت دارد. شیعه‌ای که بخواهد تکی و انفرادی راه خود را طی کند، شیعه‌ای که بخواهد یک رابطه شخصی با امام زمانش برقرار کند و معنویت خودش را به جنبه‌های فردی و مناجاتی محدود کند، حضرت این شیعه را به عنوان مقدمه‌ساز بیان نمی‌فرماید. مثلاً در روایات سفارش شده است که اگر کسی خواست به زیارت برود، چند نفر دیگر را هم با خودش ببرد. یعنی بهتر است انسان تنهایی به زیارت نرود.



اینکه حضرت می‌فرماید: «شیعیان با هم جمع شوند» یک معنایش این است که زندگی جمعی را یاد بگیرند. نمی‌شود شیعه منتظر زندگی جمعی را بلد نباشد. گاهی از اوقات در میان سیاسیون یا عناصر فرهنگی دیده می‌شود که قدرت انعطاف‌پذیری برای حضور در جمعی که سلايق مختلفی دارند، وجود ندارد. خیلی مهم است که انسان مهارت زندگی اجتماعی را داشته باشد و بتواند با دیگران کنار بیاید و اگر کسی برتری‌هایی نسبت به او دارد، شایستگی‌های او بپذیرد. یا اگر کسی از او ضعیف‌تر است به او کمک کند و قوّت‌های خود را در اختیار او قرار دهد.

طبیعتاً وقتی آدم‌ها کنار هم جمع شوند با هم اختلاف نظر یا اختلاف روحیه پیدا می‌کنند و این اختلافات موجب تنش‌هایی بین آنها خواهد شد. یقیناً اهل بیت علیهم‌السلام نخواسته‌اند که ما را در کنار هم قرار دهند تا با هم دعوا کنیم؛ بلکه خواسته‌اند ما در کنار هم قرار بگیریم و علی‌رغم اختلافات موجود، قدرت تعامل و هم‌افزایی داشته باشیم. بعضی‌ها حتی در یک تیم سه نفره هم قدرت تعامل ندارند چه رسد به اینکه بخواهند در یک تیم بزرگتر قرار گیرند.

برای اینکه قدرت تعامل خود را بالا ببریم، ضعف‌های زیادی را باید برطرف کنیم. مثلاً اینکه



اگر کسی ما را عصبانی کند، یا به ما توهین کند چه عکس‌العملی از خودمان نشان می‌دهیم؟ یا اگر کسی سخن ما را نفهمد یا بد برداشت کند، با او چگونه برخورد خواهیم کرد؟ چگونه این سفارش را اجرا می‌کنیم که فرموده‌اند: نه تنها عیب خودتان را به دیگران نسبت ندهید، بلکه عیب دیگران را به خودتان نسبت دهید. (..مَا بَالُ الْمَظْلُومِ لَا يَصِيرُ إِلَى الظَّالِمِ فَيَقُولُ: أَنَا الظَّالِمُ، حَتَّى يَصْطَلِحَا؛ خصال ۱/۱۸۳) اگر یک کار گروهی انجام دادیم و یک کسی کار را خراب کرد، بلافاصله نگوییم: «تقصیر اوست! من به او گفته بودم...» بلکه برعکس؛ باید این قدرت را داشته باشیم که حتی تقصیر دیگران را هم به عهده بگیریم و بگوییم: «در فلان مسأله، من مقصر بودم» البته خیلی سخت است که انسان این قدر اهل تعامل باشد.

دوران غیبت یا دوران انتظار، دوران آمادگی و مقدمه‌سازی برای ظهور است. عناصر مقدمه‌ساز یک ویژگی‌هایی باید داشته باشند. چطور می‌شود که یکی از دانشجویان و طلبه‌ها «مهدی‌ی‌آور» باشد اما در هیچ تشکل فرهنگی در کنار دیگران به فعالیت نپردازد؟! آیا او نمی‌تواند هیچ کسی را تحمل کند و نمی‌تواند با هیچ کسی ارتباط برقرار کند. بعضی‌ها اهل کار گروهی نیستند و می‌خواهند



تنهایی جلو بروند. کار گروهی طبیعتاً لوازمی دارد، کوتاه آمدن ها و ایثارگری هایی لازم دارد.

« باید به سایر مؤمنین عشق بورزیم؛ حتی اگر بین ما اختلافاتی باشد »

اینکه حضرت می فرماید: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا... عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ؛ اگر شیعیان از صمیم دل کنار هم جمع شوند و قلب ها به هم نزدیک باشد» یعنی به همدیگر عشق بورزند نه اینکه همدیگر را صرفاً تحمل کنند. ما باید به سایر مؤمنین عشق بورزیم، حتی اگر اختلافاتی بین ما وجود داشته باشد و حتی اگر از این اختلافات - به صورت شخصی - ضربه بخوریم، ولی به خاطر اصولی که پذیرفته ایم، باید به آنها عشق بورزیم و این طور نباشد که فقط به رفقای خودمان، عشق بورزیم. اینها جزء دستورالعمل هایی که است که اهل بیت علیهم السلام به طور مشخص درباره ظهور به آنها اشاره فرموده اند.

کسی نزد امام باقر علیه السلام آمد و گفت: چرا قیام نمی کنید؟ شما یاران زیادی دارید که آماده اند پای رکاب شما قیام کنند. حضرت فرمود: آیا شما از اموال همدیگر بدون اجازه هم استفاده می کنید؟ یعنی در زمینه مالی با هم «ندار» نیستید و مرز مالکیت فردی بین شما برداشته نشده است؟ گفت نه! حضرت فرمود: مهدی ما زمانی قیام خواهد کرد که یارانش



این‌گونه هستند. شما که ظرفیت تعامل با همدیگر در این سطح را ندارید، انتظار نداشته باشید که من قیام کنم. (قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ: إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ لَجَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لَأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ قَالَ: يَجِيءُ أَحَدَكُمْ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ: لَا. فَقَالَ: هُمْ بِدِمَائِهِمْ أَبْخَلُ. ثُمَّ قَالَ: ... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَامَلَةُ وَآتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ؛ اختصاص شیخ مفید/ص ۲۴) (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع، قَالَ يَوْمًا لِأَصْحَابِهِ: أَيْدِخِلْ أَحَدَكُمْ يَدَهُ فِي كُمِّ صَاحِبِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ مِنَ الدَّنَانِيرِ؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: فَلَسْتُمْ إِذَا بِأَخْوَانٍ؛ كشف الغمه/ج ۲/ص ۱۴۸)

« پیشنهادی فراتر از شعار وحدت بین شیعه و سنی

نوع دیگری از محبت و فراتر محبت بین شیعیان که جز لاینفک زندگی محبتی ما باید قرار بگیرد محبت و همدلی بین شیعه و سنی است. از شعار وحدت شیعه و سنی، شعار دیگری را به شما پیشنهاد می‌دهم و آن «همدلی» بین شیعه و سنی است. چرا فقط وحدت؟ چرا فقط دنبال این باشیم که با هم اختلاف نداشته باشیم؟ چرا در همین سطح باقی بمانیم؟ ما باید از یکدیگر دلبری کنیم؟ باید یکدیگر را به آغوش بکشیم. شما وقتی

می‌توانی خودت را مدعی مهدویت بدانی که در بین رفقای، برخی از صمیمی‌ترین آنها جوانانی از اهل سنت باشند. اینکه ما فقط با هم دعوا نکنیم، کافی نیست؛ باید جلوتر برویم. وقتی امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: همه دلها را به ما علاقمند کنید، منظور جوانان شیعه نبوده، بلکه منظور همین جوانان اهل سنت بوده.

ای مریدان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از بحث وحدت بین شیعه و سنی فراتر بروید و دلبری کنید. همین‌که برادران اهل سنت معتقدند که «غدير، دعوت به محبت علی بن ابیطالب علیه السلام بوده است، نه دعوت به وصایت ایشان» می‌توانیم با آنها بر سر محبت علی بن ابیطالب علیه السلام جشن مشترک بگیریم. اعتقاد ما برای خودمان باقی است، ولی وجه مشترک ما با آنها درباره غدير، در مسأله «محبت» است و لذا می‌توانیم جشن محبت بگیریم. کما اینکه ما هم در بسیاری از مجالس خودمان صرفاً از محبت اهل بیت علیهم السلام می‌گوییم، خُب می‌توانیم همین جلسات را با هم بگیریم.

« یک عنصر منتظر یعنی یک عنصر «تشکیلاتی»؛ البته نه صرفاً به معنای حزبی

زندگی دسته‌جمعی و زندگی تشکیلاتی یکی از ضرورت‌ها برای منتظران ظهور- است. نمی‌شود



قبول کرد کسی در کنج عزلت و در گوشهٔ حجره یا در گوشهٔ خوابگاه دانشجویی یا در گوشهٔ مسجد یا کتابخانه سر به سجاده یا کتاب گذاشته باشد و سرگرم خودسازی باشد؛ این طور خودسازی امکان ندارد. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوا» (آل عمران/۲۰۰) اول می‌فرماید: «اصبروا» یعنی تک‌تک شما جداگانه صبر کنید. بعد می‌فرماید: «صابروا» یعنی با هم صبر کنید.

چند درصد از ما بچه‌مذهبی‌ها، تفاوت میان «با هم صبر کردن» و «تک‌تک صبور بودن» را می‌فهمیم و از لوازم آن مطلع هستیم؟ یک عنصر منتظر یعنی یک عنصر «تشکیلاتی»؛ البته منظور از تشکیلات صرفاً «حزب» نیست، بلکه منظور هر نوع تشکیلاتی است؛ یعنی هر نوع تجمع سازمان‌یافته هدفمندی که دارد برای مأموریت‌های مشخصی فعالیت می‌کند.

«مریدان امام زمان علیه‌السلام باید از بحث وحدت شیعه و سنی فراتر بروند و دلبری کنند»

سفارش راهبردی امام عسکری علیه‌السلام: جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ؛ همهٔ دل‌ها را به سمت ما جذب کنید. اگر شیعیان با هم جمع شوند و با هم صمیمیت داشته باشند و فردیت - که عنصر مرکزی تمدن

غرب است- را دور انداخته باشند و جمعیت را از صمیم جان پذیرفته باشند و بعد بخواهند به عهدی که ائمه هدی علیهم السلام به گردن آنها دارند، وفا کنند، چه اتفاقی می افتد؟ حضرت در ادامه کلام فوق می فرماید: «در این صورت مژده ملاقات ما به تأخیر نمی افتد و به سرعت سعادت مشاهده مولای خود را پیدا خواهند کرد؛ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا» (همان) پس چرا ظهور تا الان به تأخیر افتاده است؟ به خاطر رفتار و اخلاق و عادات خودمان.

با استفاده از این کلام شریف می خواهم یک رویکردی را خدمت شما عرض کنم. ما باید از مسأله اتحاد و اتفاق بین مؤمنین، بگذریم و به اتحاد و اتفاق بین مسلمانان برسیم. با توجه به این سخن امام حسن عسکری علیه السلام که در یک سفارش بسیار راهبردی می فرماید: «همه دل ها را به سمت ما جذب کنید؛ جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ» (تحف العقول/ ص ۴۸۸)

« فراتر از «وحدت» شیعه و سنی، باید به دنبال «همدلی» و صمیمیت باشیم / جوان شیعه منتظر کسی است که برخی رفقای صمیمی اش از جوانان اهل سنت باشد

بنده می خواهم فراتر از شعار وحدت شیعه و



سنی، سنی، و در همان راستا شعار دیگری را به شما پیشنهاد بدهم و آن «همدلی» بین شیعه و سنی است. چرا فقط وحدت؟ چرا فقط دنبال این باشیم که با هم اختلاف نداشته باشیم؟ چرا در همین سطح باقی بمانیم؟ ما باید از یکدیگر دلبری کنیم؟ باید یکدیگر را به آغوش بکشیم. شما وقتی می‌توانی خودت را مدعی مهدویت بدانی که در بین رفقای، برخی از صمیمی‌ترین آنها جوانانی از اهل سنت باشند. اینکه ما فقط با هم دعا نکنیم، کافی نیست؛ باید جلوتر برویم.

امروز صحنه جهانی هم این را اقتضا کرده است؛ «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» وقتی دشمنان ما دارند جریان‌های تکفیری را برای قتل عام مسلمان؛ اعم از شیعه و سنی راه می‌اندازند، تکلیف ما معلوم می‌شود. ما باید آغوش خودمان را - به روی اهل سنت - باز کنیم. مرجع عالی‌قدر تشیع در عراق درباره اهل سنت می‌فرماید: نگوئید اهل سنت برادران ما هستند، بگوئید آنها جان ما هستند؛ «انفسنا» یعنی آنها عزیز دل ما هستند.

امام صادق علیه السلام به شخصی که دغدغه معرفی اهلیت به مردم را داشت، فرمودند: «بر تو باد به جوانان و نوجوانان؛ زیرا آنها در پذیرش هر نوع خوبی شتاب بیشتری دارند؛ عَلَیْكَ بِالْأَحْدَاثِ، فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ». (کافی/۸/۹۳)



«امام عسکری علیه السلام فرمود «همه دل‌ها را به سمت ما جذب کنید» و این شامل اهل سنت می‌شود

چرا بعضی‌ها شیعه را یک فرقه می‌دانند؟ امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: دل‌ها را به سمت ما جذب کنید. هر یک از شما باید پاسخ دهد که در همین دوران جوانی، چند دل را جذب کرده است؟ وقتی امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: همه دل‌ها را به ما علاقمند کنید (جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ؛ تحف العقول/ص ۴۸۸) منظور جوانان شیعه نبوده، بلکه منظور همین جوانان اهل سنت بوده که با اهل بیت آشنا و علاقمند نشده‌اند؛ و از همه مستعدتر همین جوانان اهل سنت هستند که علمای بزرگشان در همان زمان به اهل بیت اظهار علاقه و شاگردی می‌کردند و محبت اهل بیت را لازم و جزء دین می‌دانستند. اگر مذهب و مرام شما بر حق است، ثمره‌اش این است که باید دل ببرید و دل‌ها را جذب مرام خودتان کنید. و در ادامه روایت می‌فرماید: «هر امر ناشایستی را از ما دفع کنید؛ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ» (همان) بگذارید وقتی شما را دیدند، به امام شما - یعنی به کسی که شما را تربیت کرده - «بارک‌الله» بگویند. اگر کسی از برادران مسلمان شما - از اهل سنت - مریض شد

به عیادت او بروید، مقید باشید در تشییع جنازه او شرکت کنید، مقید باشید در نماز جماعت‌های آنها شرکت کنید.

« مریدان امام زمان علیه السلام باید از بحث وحدت شیعه و سنی فراتر بروند و دلبری کنند/ بر سر وجوه مشترک‌مان با اهل سنت، مراسم مشترک برگزار کنیم

ای مریدان امام زمان علیه السلام! از بحث وحدت بین شیعه و سنی فراتر بروید و دلبری کنید. مثلاً برخی از برادران اهل سنت، معتقدند که «مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است» خُب شما می‌توانید به آنها بگویید: همین که شما به مهدی علیه السلام علاقه دارید، خوب است. یعنی همین مقدار را هم غنیمت بشمارید و برای همین مقدار اشتراکی که وجود دارد، مجلس مشترک بگیرید.

یا به عنوان مثال دیگر، همین که برادران اهل سنت معتقدند که «غدير، دعوت به محبت علی بن ابیطالب علیه السلام بوده است، نه دعوت به وصایت ایشان» می‌توانیم با آنها بر سر محبت علی بن ابیطالب علیه السلام جشن مشترک بگیریم. اعتقاد ما برای خودمان باقی است، ولی وجه مشترک ما با آنها درباره غدير، در مسأله «محبت» است و لذا می‌توانیم جشن محبت بگیریم. کما اینکه ما هم

در بسیاری از مجالس خودمان صرفاً از محبت اهل بیت علیهم السلام می‌گوییم، خُب می‌توانیم همین جلسات را با هم بگیریم.

« امام حسین علیه السلام محل اتحاد شیعه و سنی است/یزید دشمن مشترک شیعه و سنی بود

در عاشورا نیز، بیشتر از هر زمان دیگری می‌توانیم جلسات مشترک بین برادران شیعه و اهل سنت بگذاریم. چون امام حسین علیه السلام با یزید که دشمن مشترک شیعه و سنی بود، نبرد کرد. جنایتی که یزید در حق اهل سنت انجام داد، این جنایت را در مدینه در حق شیعیان انجام نداد. سربازان یزید در مدینه جنایاتی انجام دادند که روی این تکفیری‌ها را هم سفید کردند؛ چقدر از صحابه و تابعین را - که همه از اهل سنت بودند- سر بریدند! بحث امام حسین علیه السلام محل اتحاد شیعه و سنی است. شیعه و سنی هر دو دلشان از یزید خون است.

هفته وحدت فقط هفته میلاد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیست. مواقف متعددی برای این وحدت وجود دارد. در همین اربعین برخی از برادران اهل سنت را در این موکب‌ها دیدیم که به عشق امام حسین علیه السلام خدمت می‌کردند و می‌گفتند: حسین علیه السلام فرزند پیامبر ماست که به ظلم کشته شده است و ما به ایشان ارادت داریم.



به آنها گفتیم که چرا نمی‌گویید که ما اهل سنت هستیم؟ می‌گفتند: برای اینکه می‌ترسیم شیعیان دلخور شوند و از ما پذیرایی قبول نکنند. این طور مخلصانه برای امام حسین علیه السلام خدمت می‌کردند.

« دوران صرفاً وحدت شیعه و سنی گذشته و دوران همدلی فرارسیده/ ما به سوی وحدت معنوی در جهان حرکت می‌کنیم »

دوران وحدت گذشته است و دوران همدلی فرارسیده است. ما در چنین جهانی داریم زندگی می‌کنیم. دشمنان ما هم وقتی از سر حماقت، این تکفیری‌ها را به جان شیعه و سنی می‌اندازند، این اتحاد و همدلی بیشتر می‌شود. وقتی در عراق یا سوریه، اهل سنت می‌بینند که جوان شیعه دارد خودش را می‌کشد تا از نوامیس همسایگان مسلمان خودش از اهل سنت، دفاع کند، آن جوان اهل سنت هم می‌آید و از حرم حضرت زینب علیه السلام یا از سامرا دفاع می‌کند. اینها معجزاتی است که علی‌رغم آن همه سرمایه‌گذاری دشمن برای تفرقه، امروز دارد تحقق پیدا می‌کند.

نه تنها سطح تعامل و اتحاد و محبت بین مؤمنین باید افزایش پیدا کند و نه تنها همدلی بین مسلمانان باید افزایش پیدا کند، بلکه ما داریم به سوی وحدت معنوی در جهان حرکت می‌کنیم.

مگر شما ندیده‌اید برخی از رهبران کلیسا را که در ایام اربعین همراه با پیاده‌روی کنندگان برای زیارت امام حسین علیه السلام حرکت می‌کردند و حتی خودشان دسته راه انداخته بودند؟ واقعاً جهان دارد یک پارچه می‌شود، اینها از مقدمات ظهور است. ما الان داریم به این سمت حرکت می‌کنیم.

« حسین علیه السلام محور اتحاد اهالی معنویت در جهان است / عصر ما، عصر همدلی و اتحاد علیه استکبار، کفر و تفرقه است »

مگر چقدر وجه اختلافی بین ما و مسیحیان جهان وجود دارد؟ این کم‌کاری ما مریدان امام حسین علیه السلام است که بسیاری از مریدان مسیح بن مریم که برای مصائب مسیح اشک می‌ریزند، با حسین ما آشنا نیستند. الان مستکبران دارند اسلام را در جهان این‌گونه معرفی می‌کنند که اسلام دینی است که ظالمانه سر از بدن بیگناهان جدا می‌کند. ولی حماسه اربعین که دقیقاً مقابل این فتنه مستکبران عالم بود، نشان داد که نماد اسلام ما حسینی است که مظلومانه سر از بدنش جدا شده است.

حسین علیه السلام محور اتحاد اهالی معنویت در جهان است. مرید امام حسین علیه السلام که نتواند ایشان را به جهان مسیحیت - با ادبیات خودشان - معرفی



کند و از این راه نتواند دل‌ها را به هم نزدیک کند، برای امام حسین علیه السلام کاری نکرده است. امام حسین علیه السلام برای این نیست که تو در گوشه‌ای با او مناجات کنی و از اینکه برای او اشک می‌ریزی لذت ببری، باید برای امام حسین علیه السلام هیاهو کرد تا همه عالم خبردار شوند. عصر، عصر همدلی و اتحاد علیه استکبار، کفر و تفرقه است.

« در عرصهٔ سیاسی نیز باید با هر نوع تفرقه افکنی به شدت مقابله کنیم / در عرصهٔ سیاسی بسیاری از اختلافات، بی‌جا و مضر است / اگر سیاسیون با هم اختلاف و رقابت دارند، نباید ملت را دو قسمت کنند »

بگذارید ابعاد سیاسی این بحث را هم عرض کنم. در عرصهٔ سیاسی هم بسیاری از اختلافات و تفرقه‌ها، بی‌جا و مضر است. مثل اختلاف موهومی که بین اصلاح‌طلب و اصولگرا می‌اندازند. ممکن است برخی از سران جریان‌های سیاسی، بزرگترین خطاها را مرتکب شده باشند که جرم‌شان اعدام باشد و به حکم حضرت امام رحمته الله علیه مفسد فی الارض باشند، ولی نباید بگذاریم بدنهٔ اجتماعی را از هم جدا کنند.

واقعاً ما الان بین جریان‌های اجتماعی، اختلاف سیاسی جدی‌ای نمی‌بینیم. مثلاً آیا می‌توان نام

یک بچه حزب‌اللهی را «محافظه‌کار» گذاشت؟ مگر او چه چیزی را می‌خواهد حفظ کند که به او محافظه‌کار بگوییم؟ آیا می‌خواهد نظام پولی و بانکی را حفظ کند؟! یا می‌خواهد وضع فرهنگی را حفظ کند؟ اتفاقاً یک حزب‌اللهی می‌خواهد هر دوی اینها را اصلاح کند و به این وضع موجود راضی نیست که بخواهیم او را محافظه‌کار تلقی کنیم. از سوی دیگر، آیا الان در میان بدنهٔ جامعه - افراد لامذهبی داریم که مثلاً بخواهند فمینیست را در کشور ما حاکم کنند؟ آیا در دانشگاهیان ما چنین کسی را می‌توان یافت؟ کسی که تا این حد شیفتهٔ نظام سرمایه‌داری غرب و لیبرال دموکراسی باشد؟ چرا باید دانشگاهیان را به دو گروه اصلاح‌طلب و اصولگرا تقسیم‌بندی کنیم؟! کسانی که این تقسیم‌بندی‌های موهوم را درست کرده‌اند، در واقع خیانت کرده‌اند. حضرت امام رحمة الله علیه هم می‌فرمود که من این تقسیم‌بندی‌ها را قبول ندارم. اگر سیاسیون با هم اختلاف و رقابت دارند که نباید ملت را دو قسمت کنند.

« نباید اساتید و دانشجویان را با تلقین‌های غلط در باندهای سیاسی مختلف قرار داد »

در بین هوشمندان جامعه، کسانی که خودشان را به صورت اصطلاحی و سنتی و بر اساس تلقین‌های



غلطی که به آنها شده بود، اصلاح طلب یا اصولگرا می‌دانند، دربارهٔ خودشان فکر کنند که آیا این اسم‌ها به آنها می‌چسبد؟

یک جوان دانشجوی عدالت‌پرور، اهل عقلانیت و معنویت و اهل توجه به منافع ملی را می‌توان در یک باند سیاسی خاص قرار داد؟! اگر این کار بشود، این ظلم به جوان دانشجو است. اگر او را به نام هر گروه خاصی متهم کنید، به او ظلم کرده‌اید. همچنین یک استاد دانشگاه که پیشرفت دانشگاه و کشور را می‌خواهد و دارد خدمت علمی می‌کند و معنویت هم دارد، آیا می‌شود این اساتید و دانشجویان را در شقه‌های سیاسی مختلف تکه‌تکه کرد؟! مخصوصاً الان که تمدن غرب رو به فروپاشی است و الان دیگر کسی در عالم سخنی برای گفتن ندارد، جز همین سخن نو که اسلام ناب ما دارد.

« در عرصهٔ سیاسی به تفرقه‌افکنان میدان ندهید/ شقه شقه کردن مردم نوعی خفقان و دیکتاتوری روانی پدید می‌آورد »

عصر، عصر همدلی و وحدت است. در عرصهٔ سیاسی به این سادگی به تفرقه‌افکنان میدان ندهید. بگذارید راحت بتوان از سیاسیون انتقاد کرد. خود این شقه شقه کردن‌ها، یک نوع

دیکتاتوری روانی یا خفقان پدید می‌آورد. چون طرف می‌ترسد که اگر انتقاد کند، متهم شود به اینکه عضو فلان باند و گروه است. یا کسی بترسد که اگر از این حزب‌اللهی انتقاد کند، این کارش موجب تضعیف حزب‌الله شود. در حالی که الان از هر حزب‌اللهی‌ای انتقاد کنید، تضعیف حزب‌الله نیست. و از هر سیاسی‌ای هم انتقاد کنید، نباید متهم شوید که عضو فلان گروه هستید. کسی حق ندارد شما را به این سو یا آن سو بودن متهم کند.

باید سطح تعامل بین خودمان را بالا ببریم، و نگذاریم این بازی‌ها و گروه‌بندی‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها را بین ما در بیاورند. چهار نفر سیاسی از بین سیاسیون ما که نان‌شان در اختلاف و شقه شقه کردن مردم است، نباید بتوانند ما را گروه‌بندی کنند. ما اهل هیچ گروه و فرقه‌ای نیستیم؛ ما یکی از مردم هستیم. هر جا انتقادی داشته باشیم می‌گوییم، هر جا که باید جلوی یک ایرادی بایستیم، می‌ایستیم. هر جا باید از حقی دفاع کنیم، دفاع می‌کنیم. با همدیگر هم اختلاف نظر داریم ولی شقه شقه کردن مردم جنایتی نابخشودنی است.

« دعا برای وحدت و محبت »

بگذارید بگویند چرا در جمکران همه به هم

محبت می‌کنند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «چقدر به هم محبت می‌کنید؟ بگویید تا من بگویم کی قیام کنم.» خیلی واضح است. همه شما منتظران ظهور هستید و به هم محبت می‌کنید. حضرت از ما غذا نمی‌خواهند. وقتی به مؤمنان غذا یا محبت می‌دهید، به حضرت نشان می‌دهید. در خواستگاری، با یک گل یا شیرینی، حرف‌های تند نمی‌زنند. فضا را تلطیف می‌کنند تا کار به نتیجه برسد.

خدایا، محبت را در جامعه ما بیشتر بگردان. خدایا، مردم مساجد ما را پرمحبت‌ترین و مهربان‌ترین مردم قرار بده. خدایا، زائران جمکران را با دست پر از شیرینی و شام، هر بار راهی جمکران بگردان. آمین.

این دعا برای فرج بود. نمی‌شود فقط بگوییم: «اللهم عجل لولیک الفرج» و خودمان کاری نکنیم. مثل قوم بنی اسرائیل که به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «تو با خدایت برو بجنگ، ما اینجا نشسته‌ایم» (مائده، آیه ۲۴). نه، باید خودمان هم کاری کنیم. خدایا، به این جمع آن قدر ثروت و امکانات بده که هر بار در جمکران، جمع کثیری را مهمان کنند. آمین.

خدایا، به حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ما را شاهد ظهور خودت قرار بده. ما را حسرت به دل نگذار.



خدایا، به حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، هرچه
زودتر دست مجروح رهبر عزیز انقلاب را به دستان
بابرکت مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف متصل بفرما.
و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.